

یکسال پس از انقلاب مصر

گفتگو با مصطفی علی



ترجمه نوژن اعتضادالسلطنه

من گمان می‌کنم که رادیکالیزاسیون در میان بسیاری از مردم نهادینه شده و به گام‌های آنان برای مبارزه بلند مدت کمک می‌کند. آنان می‌دانند که نمی‌توان به اخوان المسلمین و شورای نظامی اعتماد کنند، بنابراین اشتباه سال گذشته که همگی میدان را ترک کردند، به خانه رفتند را تکرار نخواهند کرد، آنان به میدان باز می‌گردند و انقلاب را به سرانجام می‌رسانند.

مصطفی علی یکی از اعضای سوسیالیست‌های انقلابی مصر و روزنامه‌نگار از نشریه اهرام آنلین، در مورد وضعیت مصر یکسال پس از وقوع انقلاب در آن کشور آینده مصر سخن می‌گوید.

یکسال پیش در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱، قیامی در مصر آغاز شد که در عرض ۱۸ روز دیکتاتور مورد پشتیبانی ایالات متحده، حسنی مبارک را پس از ۳۰ سال زمامداری، سرنگون کرد. مصر در دوران گذار به سر می‌برد اما انقلاب تا به امروز با چالش‌هایی مواجه بوده است. شورای عالی نظامیان که از زمان کناره‌گیری مبارک زمام امور را در دست دارد، در سرکوب سازمان‌های چپ‌گرا پیش‌گام بوده است. اخوان المسلمین و سایر سازمان‌های اسلامگرا که اکثریت کرسی‌های پارلمان جدید مصر را تصاحب کرده‌اند، متحدان تازه شورای نظامی هستند. نظامیان در تلاش بودند تا از حادثه مسابقه فوتبال در ۱ فوریه که به کشته شدن ۷۴ نفر در استادیوم پورت سعید انجامید سوء استفاده نمایند تا مردم خواهان دخالت بیشتر آنان در امور به منظور حفظ امنیت کشور شوند، اما این حادثه نتیجه عکس داد و خشم و سوء ظن عمومی نسبت به ارتش مصر افزود.

۲۵ ژانویه ۲۰۱۱، بعنوان روز آغاز انقلاب مصر شناخته شده است، اکنون یکسال از آن رویداد گذشته است. به نظر شما موقعیت امروز مصر نسبت به یک سال پیش چگونه است؟

گردهمایی شرکت‌کنندگان در مراسم بزرگداشت انقلاب بسیار گسترده و فراگیر بود، و عظیم‌تر از آن چیزی که بود که همگان تصور می‌کردند

زیرا در رسانه ها این گونه القا می شد که انقلاب در نظر مردم نسبت به گذشته کم رنگ تر شده است.

در این گردهمایی در حدود ۵/۱ میلیون نفر در میدان تحریر حضور یافتند. نه تنها در میدان تحریر که پل های منتهی به این میدان نیز مملو از جمعیت بود به گونه ای که صفوف مردم به ۳ تا ۴ کیلومتر نیز می رسید.

در آنجا مردمی بودند که تا به امروز در مجاورت یکدیگر به سر سر می برند و از زمان آغاز مبارزه میدان تحریر را رها نکرده اند.

من این را بدین خاطر می گویم که در هفته ها و ماههای پیش از ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱، رسانه های اصلی این گونه اظهار می داشتند که مردم از انقلاب و اعتراضات روی گردان می شوند و بسوی بازگشت به وضعیت عادی روی می آورند و خواهان از سر گیری چرخه تولید در کشور و آرامش خواهند شد.

در نتیجه از دید آنان تظاهرات ماه به ماه کاهش می یافت و شورای نظامی و دولت نیز با تبلیغات خود در صدد بودند تا به جامعه القا کنند که مردم روز به روز از میدان تحریر عقب نشینی می کنند. در واقع، گردهمایی کنونی عظیم تر از تظاهرات اعتراضی علیه مبارک در خیزش ۱۸ روزه بود.

یکسال پیش، من اطمینان داشتم که ۹۹ درصد مردمی که در زمان سقوط مبارک در ۱۱ فوریه خواهند گرفت باور دارند که شورای نظامی از انقلاب آنان حمایت خواهد نمود. آن زمان شعارها مبنی بر اتحاد بین مردم و نظامیان در کنار یکدیگر بود.

اکثر مردم پس از ۱۱ فوریه به میدان تحریر باز نگشتند، زیرا گمان می کردند که کاری که می خواستند انجام داده اند، ارتش از انقلابشان حمایت نموده و در نتیجه اصلاحاتی که خواهان اجرای آن بوده اند آغاز خواهد شد. بنابراین به ارتش اجازه دادند که زمام امور را برای ماههای پس از انقلاب در دست گیرد.

یکسال بعد، پس از تمام رویدادهای یکسال گذشته، شما می توانید نسل جدیدی از مردم را ببینید که آگاهی رادیکال شان بطور غیر عادی ای افزایش یافته است. همانگونه که ما توانستیم در تظاهرات و گردهمایی های یکسال اخیر ببینیم، اکنون این نسل نوین دریافته است که شورای نظامی بخشی از رژیم کهنه مبارک است و مخالف انقلاب بوده

مردم به چه نتیجه ای در مورد شورای نظامی رسیده اند؟

در مصر رشد آگاهی جمعی در این مورد دیده می شود که شورای نظامی بخشی از طبقه حاکمه است و حدود ۲۵ تا ۴۰ درصد از اقتصاد مصر را در کنترل خود دارد، ژنرال های نظامی مصر موقعیت خود را مدیون منافع ایالات متحده و سیاست های نئولیبرالی می دانند که در طول ۳۰ سال گذشته مردم مصر را فقیر تر کرده است.

در تمام مدت یکسال روند رادیکالیزه شدن توسعه یافت. اما می توان درآمدهایی از پیروزی ها و شکست ها را در یکسال اخیر دید، نسل نوین مصر به این نتیجه رسیده اند که بدون از میان برداشتن شورای نظامی و کل دستگاه نظامی مصر، قادر به ادامه انقلاب نخواهند بود.

در سوی دیگر واقعیتی وجود دارد که کشور امروز بیش از ژانویه سال گذشته دچار شکاف شده است. میلیون ها نفر وجود دارند که از انقلاب حمایت می کنند و خواهان تداوم آن هستند اما در سوی دیگر بخش عظیمی از طبقه متوسط نیز حضور دارند که از کناره گیری مبارک حمایت می کردند اما مخالف انقلاب بودند و برای نمونه پیروزی اخوان المسلمین در انتخابات پارلمانی در نظر آنان یک پیروزی بود.

در سال گذشته اخوان المسلمین بخشی از قیام علیه مبارک را تشکیل می دانند، رهبران آن مردد بودند اما در نهایت سازمان شان به درون مبارزه کشیده شد. امسال نیز در گردهمایی میدان تحریر اخوان المسلمین شرکت داشتند اما نقش بازوی سیاسی شورای نظامی را ایفا می کردند.

اگر امروز در میدان تحریر حضور یابید، هزاران هوادار اخوان المسلمین را خواهید دید که در میدان به منظور جلوگیری از به چالش کشیده شدن شورای نظامی توسط تظاهر کنندگان حضور یافته اند. چنین اقدامی باعث ایجاد برخورد فیزیکی بین اخوان المسلمین و هزاران معترض به موضع گیری آنان در میدان تحریر در نخستین سالگرد پیروزی انقلاب در روز جمعه شد.

اخوان المسلمین به منظور برگزاری مراسم جشن نخستین سالگرد پیروزی انقلاب به میدان آمدند اما اکثریت تظاهر کنندگان در میدان و مردم پشتیبان انقلاب این ایده را که امروز بایستی مراسم جشن باشد را رد می کردند. آنان می گفتند که اهداف انقلاب تحقق نیافته است در

نتیجه ما نبایستی جشن بگیریم.

روزنامه ها در این باره اظهار نمودند که اکثریت مردم فریاد می زدند که "این یک انقلاب است و نه یک جشن"

این اقدام پیشرفتی با اهمیت در مرحله آگاهی جمعی مردم است. سال گذشته، بخش عظیمی از مردم سرسخت میدان را خالی کردند تا شورای نظامی انقلاب را به مسیر درست برساند امسال اما، میلیون ها نفر و نه اکثریت مردم با یک اقلیت قابل توجه به این اعتقاد رسیده اند که بایستی خود سازماندهی یا بند وزمام اوضاع را در دست گیرند. آنان به این نتیجه رسیده اند که تنها راه تداوم انقلاب سازماندهی جنبش های مردمی و اجتماعات بیشتر طبقه کارگر است.

چرا اخوان المسلمین توانست در انتخابات اخیر مصر اکثریت آراء را کسب نماید؟

یکی از بهترین راههای فعالیت اخوان در مصر تشکیل حزب دموکراتیک در این کشور بود. سازمانی که بعنوان سازمانی رفرمیست قلمداد شده است اما متعهد به سرمایه داری است. البته در درون آن اختلافاتی وجود داشته است. اما این راه خوبی است که متوجه شویم اخوان المسلمین چگونه در چشم بسیاری از هوادارانش جلوه گر شده است.

اخوان المسلمین به هیچ وجه از مخالفان واقعی سیاست های اصلی اقتصادی رژیم مبارک در طول ۳۰ گذشته نبوده اند. این امری است که بسیاری از منتقدان متوجه اخوان ساختند آن هم در زمانی که مبارک برنامه های خصوصی سازی را اجرا نمود که بر اثر آن میلیون ها نفر فقیر تر شده بودند. اما اخوان المسلمین هرگز علیه روند خصوصی سازی انتقادی را متوجه رژیم مبارک نساختند.

اخوان المسلمین و رهبران آنها حتی بیش از مبارک و حزب حاکم قبلی یعنی حزب دموکراتیک ملی نسبت به سرمایه داری متعهد اند. آنان بشدت به سیاست های اقتصاد بازار آزاد اعتقاد دارند. اما مجبور بودند که از برخی از بخش های سیاست اقتصادی مفتضحانه مبارک انتقاد نمایند تا ارتباط خود را با پایگاه اجتماعی شان حفظ نمایند.

زمانی که در ۱۱ فوریه سال گذشته، بسیاری از تظاهر کنندگان در میدان تحریر در اعتراض به شورای نظامی حضور یافتند، اخوان المسلمین در حدود ۹۰ درصد از تظاهرات را تحریم کرده بود و بطور آشکار از هوادارانش می خواست که میدان تحریر را ترک کنند. این

خیلی خنده دار بود که بسیاری از هواداران اخوان که در ۲۵ ژانویه در میدان تحریر حضور یافته بودند در تظاهرات ۱۱ فوریه سال گذشته شرکت نکردند.

بسیاری از مردم اکنون در مورد اخوان المسلمین دریافته اند که این جمعیت خواهان ایفای نقش بعنوان جناح سیاسی شورای نظامی است. طبقه حاکمه در مصر شورای نظامی را بعنوان نیروی فیزیکی برای حفظ نظام دارد، و اکنون اخوان المسلمین با تاسیس حزب آزادی و عدالت، بزرگترین حزب موجود در کشور، جناح سیاسی نوین طبقه حاکمه را تشکیل می دهد.

آشکار است که میلیون ها نفر از مردم مصر در انتخابات به حزب آزادی و عدالت رای داده و از اخوان المسلمین حمایت نموده اند. در این میان رای دهنده در دو دسته عمده جای می گیرفتند. دسته اول از روی اعتقاد ایدئولوژیک به حزب نماینده اخوان المسلمین رای داده اند و اخوان را مظهر پیش روی بسوی ارزشهای اسلامی می دانستند اما بسیاری از مردم نیز به اخوان المسلمین رای داده اند زیرا بر این باورند که این جریان در جهت تحقق عدالت اجتماعی خواهد برداشت.

اخوان المسلمین سالیان دراز بعنوان یک حزب اپوزیسیون مطرح بوده است. بوسیله مبارک سرکوب شد و هزاران کادر از آن زندانی شدند و تحت شکنجه قرار گرفتند، اینگونه شد که بسیاری از مردم آنها را بعنوان جنگجو و مبارز قلمداد نمودند. رهبران اسلامگرای اخوان المسلمین نیز بدلیل آنکه بیرون از دایره قدرت نگهداشته شده بودند در نظر مردم چون مبارک فاسد قلمداد نمی شدند و از دیدگاه عمومی در فساد دولتی شراکت نداشته اند.

بسیاری از آنانی که به اخوان المسلمین و سایر احزاب اسلامگرا رای داده اند معتقدند که این جریانات ثروت را بازتوزیع خواهند نمود، با فقر مبارزه می کند، آموزش و بهداشت را ارتقا می بخشد و سپس با تاجرانی که کشور را به ویرانی کشانده اند مبارزه خواهند نمود زیرا آنان مسلمانانی خوب و قابل احترام هستند. اخوان فرصتی برای این دسته از مردم است و بر این باورند که اگر اخوان المسلمین نتواند ناجی باشد دوباره به خیابان باز خواهند گشت و به مبارزه برای تحقق مطالبات انقلاب ادامه خواهند داد.

در نتیجه رای به اخوان المسلمین رایی ارتجاعی نبود. بسیاری از مردمی که به اخوان المسلمین رای داده اند از انقلاب حمایت می

نمایند اما هنوز به سطح آگاهی نسل جوانتر نرسیده اند، نسلی که در تمام مراحل انقلاب در سال گذشته رادیکال عمل نموده است و به این نتیجه رسیده است که از طریق فرایند پارلمانی نمی تواند منافع اجتماعی و اقتصادی اش را برآورده سازد.

این نکته ای بسیار مهم است. بایستی دانست در مصر یک شکاف ساده میان بخش ارتجاعی حامی اخوان المسلمین از یکسو و آنانی که از انقلاب در برابر اخوان حمایت می کنند، وجود ندارد.

چنین شرایطی چه تاثیری بر وضعیت داخلی اخوان المسلمین گذاشته است؟

رهبران اخوان المسلمین تحت فشار بسیاری از مسائل هستند، اکنون آنان حزب اصلی در پارلمان هستند. این انتظارات کاملاً تندروانه هستند که اخوان برآستی نظام را از بالا تا پایین تغییر خواهد داد. رهبران اخوان المسلمین دریافته اند بایستی بسیار سریع به شماری از مسائل بپردازند، اما از سوی دیگر، راهی برای خفه کردن توقعات مردم را برگزیده اند.

در همان حال، بسیاری از اعضای جوان اخوان المسلمین از اتحاد آشکار میان رهبری سازمان و شورای نظامی ناخرسند هستند. شورای نظامی کسی را که در طول سال گذشته در اردوهای انقلابی شرکت کرده بود از چپگرایان تا لیبرال ها و همین طور کارگران را مورد حمله قرار داد. تنها گروهی که چه از نظر ایدئولوژیک و چه از نظر فیزیکی مورد حمله شورای نظامی قرار نگرفتند، اعضای اخوان المسلمین بودند. در عوض شورای نظامی با رهبران اخوان المسلمین دیدار نمود و پذیرفت که این سازمان به آرامی کنترل پارلمان را در دست گیرد.

روزنامه اخوان المسلمین، سوسیالیست های انقلابی و سایر سازمان های چپ را با مقالات خود مورد حمله قرار می داد و مردم را به اقدام علیه آنها تحریک می کرد. در یکی از سر مقالات خود در سالگرد انقلاب، به مردم هشدار داده است که آنارشیست ها در حال برنامه ریزی به منظور انجام توطئه ای علیه مصر و بازگرداندن شرایط به دوره ۲۵ ژانویه هستند. به همین دلیل روزنامه اخوان المسلمین شباهت زیادی با روزنامه های مورد حمایت رژیم سابق تحت رهبری مبارک دارد.

بسیاری از اعضای اخوان المسلمین متوجه شده اند که رهبری آن

سازمان به اتحاد نا مقدسی با بخش هایی از رژیم مبارک دست زده است، رژیمی که سالها از فعالیت این سازمان جلوگیری نموده بود، آنان از این وضعیت به هیچ وجه خشنود نیستند. بطور خاص، در صفحه های فیس بوک و تارنماهای اینترنتی، اعضای جوان اخوان المسلمین از اقدامات رهبری سازمان اظهار شرمساری می نمایند و قائل به فاصله گیری از سیاست های آشکارا ارتجاعی رهبران سازمان شان هستند.

در نتیجه اخوان المسلمین از جهات گوناگون تحت فشار است. اما این امر واضح است که رهبران اخوان المسلمین در مسیر خاصی حرکت می نمایند. این سازمان و حزب سیاسی وابسته به آن از سوی طیف وسیعی از تاجران مدیریت و اداره می شود که متعهد به سیاست های نئولیبرال هستند. طبق گفته رسانه ها، میلیونر هایی که امور اداره جمعیت اخوان المسلمین را بر عهده دارند، در حال مذاکره با وزیران و اقتصاد دانان رژیم سابق هستند.

بعبارت دیگر، اخوان المسلمین نه تنها در اتحاد با شورای نظامی است، بلکه شبکه های باز ارتباطی با حزب دموکراتیک ملی، حزب اصلی رژیم سابق و تحت فرمان مبارک، را گشوده است. این امر باعث افزایش تنش ها و اعتراضات در خود سازمان اخوان المسلمین شده است.

نظر شما در مورد چگونگی فعالیت نسل جوان و آنچه از آن تحت عنوان آگاهی گسترش یافته در مورد وظایف انقلاب سخن می گوئید، چیست؟

گمان می کنم کمپین های تابستان امسال تعیین کننده و بیشتر تدافعی باشند. هزاران نفر معترض به آزمایش بکارت انجام شده توسط ارتش در مورد معترضین زن دستگیر شده بوده اند. در واقع بیش از ۱۲۰۰۰ نفر از مردم در جریان انقلاب اخیر تحت این آزمایش قرار گرفتند که ۳ تا ۴ برابر بیش از افراد بازداشتی توسط نظامیان در طول ۳۰ سال زمامداری مبارک بوده است. هزاران تن از مردم در این کمپین شرکت کردند و مشارکت سیاسی مردمی را آغاز نمودند.

یک فیلم کوتاه ۱۱ دقیقه ای تحت عنوان "دروغ گویان" در آگاهی طبقات متوسط و فقیر جامعه در این مورد نقش مهمی را ایفا نمود و نشان داد که نظامیان چگونه با معترضان بد رفتاری کرده و بخصوص زنان معترض را با انجام آزمایش بکارت تحقیر می کنند.

این امر برای هدایت اعتراضات مردمی در سالگرد انقلاب موثر بود. هزاران تن از مردم دیدند که شورای نظامی با معترضان چه کرده بود.

رسانه های اصلی مصر امروزه در کنترل دولت و طبقه حاکمه قرار دارند، و سعی دارند تا در مورد انقلابیون دروغ پراکنی نمایند و آنان را دیوانه جلوه دهند، در نتیجه ما بایستی این فضا را در هم شکنیم و شکل نوینی از رسانه انقلابی و مردمی را ایجاد نماییم.

کمپین های چند ماه اخیر حالت تدافعی داشته اند، اما به جوانان اجازه دادند که انرژی های خود را کانالیزه نمایند، مهارت های خود را افزایش دهند و به سطح مهارت های طبقه کارگر برسند.

بخشی از آگاهی بوجود آمده در میان معترضان آن است که به این نتیجه رسیده اند که بایستی صرفاً در میدان تحریر بنشینند تا ارتش از راه برسد و دست به کشتار همگانی بزند. زیرا این امر باعث ایزوله شدن سیاسی و ایدئولوژیک معترضان می شود. تحریر از آن رو که نماد انقلاب است پر اهمیت به شمار می رود، و ما برای وقایع بزرگ بعدی به آن باز می گردیم اما بایستی انقلاب را به درون طبقه کارگر ببریم.

اهمیت نقش طبقه کارگر در سقوط مبارک تا چه اندازه مهم بود؟

قطعاً تاثیر پذیر از شرایط خاص سیاسی و حملات وسیع ۴ تا ۵ ماه اخیر علیه احزاب چپ و فعالان کارگری توسط نظامیان بوده است. بنظرم اعتماد به نفس بسیاری از مردم در نطفه خفه شده است. فعالیت های شدیدی که پیش از ۱۱ فوریه کاملاً درست انجام می شد و به سقوط مبارک کمک نمود، در ماه پاییز از شدتش به میزان زیادی کاسته شد.

اما در طول هفته های اخیر اعتماد به نفس جنبش انقلابی افزایش یافته است و آغاز به بازسازی خود نموده است، و گمان می کنم که تاثیر مثبتی بر آغاز اعتصابات کارگری خواهد داشت.

در نتیجه، برای مثال در خیزش عمومی معترضان در پایان ماه ژانویه سال گذشته، بخش هایی از کارگران اظهار نمودند که از طرح اعتصاب در ۱۱ فوریه در همصدایی با موضع گیری سازمان های چپ در قبال نظامیان مبتنی بر این عقیده که آنان بایستی به پادگان ها باز گردند، حمایت نمودند. در نهایت، کارگران بخش حمل و نقل در قاهره، کارگران نساجی و بندری در اسکندریه نیز به اعتصابات پیوستند.

از سوی دیگر، دلیل دیگر کاهش اعتصابات فعالیت اخوان المسلمین و پیروزی در انتخابات است، بسیاری از کارگران مایلند تا منتظر تشکیل پارلمان جدید بمانند و مطالبات خود را از طریق آن پیگیری

نمایند. در این مورد هنوز توهّمات بسیاری وجود دارد که بایستی بر آنها فائق آمد.

اما من در نهایت می توانم انتظار داشته باشم که کارگران دوباره اعتراضات خود را آغاز خواهند کرد تا مطالباتشان را خواستار شوند. تنها در این زمان، آنها نخواهند خواست تا علیه مبارک و حزب دموکراتیک ملی اعتراض کنند، اما پارلمانی کنترل شده از سوی اخوان المسلمین ادامه رژیم قبلی است که علیه طبقه کارگر حمله می کند.

چنین آگاهی رادیکالیزه ای که در میان جوانان بسیار پیشرفت کرده است، جوانانی که در یافته اند موفقیت این انقلاب به سادگی میسر نخواهد شد. آنان فهمیده اند که صرف تجمع در میدان تحریر کافی نیست، و آنکه طبقه حاکم خشن تر و سرکوبگرتر هستند و حاضرند هر کاری را برای حفظ در قدرت انجام دهند.

من گمان می کنم که رادیکالیزاسیون در میان بسیاری از مردم نهادینه شده و به گام های آنان برای مبارزه بلند مدت کمک می کند. آنان می دانند که نمی توان به اخوان المسلمین و شورای نظامی اعتماد کنند، بنابراین اشتباه سال گذشته که همگی میدان را ترک کردند، به خانه رفتند را تکرار نخواهند کرد، آنان به میدان باز می گردند و انقلاب را به سرانجام می رسانند. امروز نسل نوینی وجود دارد که باور دارد که فعالیت های خودش عاملی کلیدی در ادامه مبارزه خواهد بود.

واقعۀ کشتار در استادیوم پورت سعید در ۱ فوریه باعث ایجاد طیف وسیعی از خشم نه تنها در میان طرفدار افراطی تیم فوتبال آن شهر، که میلیون ها مصری شد. آنان از نبود امنیت خشمگین بودند. چگونه این خشم سیاسی فرو نشست؟

طرفداران افراطی دو تیم فوتبال، در سالهای اخیر سیاسی شده بودند و نقش مهمی در قیام علیه رژیم مبارک در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ ایفا نمودند، زمانی که آدمکشان طرفدار مبارک حمله تجهیز شده علیه معترضان را در میدان تحریر تدارک دیدند. در طول سال گذشته، مخالفان علیه ارتش تظاهرات برپا کردند و نیروهای پلیس را با استفاده از تابلو های سیاسی و شعارها در هر مسابقه فوتبالی سرزنش می کردند. تنها چند روز پیش از این حادثه، طرفداران تیم فوتبال الاهلی در یکی از بازی های فوتبال آن تیم علیه ژنرال طنطاوی شعار می دادند.

رسانه های دولتی و اکثر مفسرین ورزشی (که پشتیبان رژیم قبلی بودند) طرفداران فوتبال را ماهها به دلیل شرکت آنان در کمپین های اعتراضی افرادی شرور و ولگرد خواندند تنها به این دلیل که آنها از اطاعت از حاکمیت پلیس سر باز زده بودند.

بسیاری بر این باورند که شورای نظامی خود زمینه یک حمله عظیم به طرفداران تیم الاهلی در استادیوم پورت سعید را فراهم نمود تا آنان را به دلیل نقش شان در انقلاب به زعم خود تنبیه کرده باشد. در روز حادثه، پلیس پیش و در حین مسابقه در استادیوم را به سوی گروهی مسلح باز کرد. پلیس نظامی، به منظور پشتیبانی نیروهای معمولی حضور دارد، در آن روز حضور نداشت. جالب آنجاست که نیروهای ارتش تنها در کمتر از نیم مایلی ۷۴ نفر کشته حضور داشتند.

امروز لحظه ای تعیین کننده برای انقلاب است. هزاران هوادار، که از سوی بازیکنان فوتبال هدایت می شود، اجازه کشته شدن شعار دهندگان علیه شورای نظامی را دادند و امروز مسئول خون های ریخته شده بسیاری از مردم هستند.

انتخاب پورت سعید برای انجام این رویداد در هماهنگی با هدف تنبیه انقلابیون بوده است. پورت سعید نماد مقاومت علیه ساتعمارگران بریتانیایی بوده است؛ جمعیت های مردمی در بریتانیا و اسرائیل برای دهه هاست که مبارزه نموده اند. و در ماههای اخیر، کارگران صنعتی و دانشجویان در پورت سعید علاقمندی به برگزاری اعتراضات بیشتر افزایش یافته است.

منبع: <http://www.isreview.org/issues/۸۲/analysis-Egypt.shtml>

برگرفته از تارنمای □□□□□□□□□□ □□□□□□